

فخرالدین نصرالدین اف

تجلی آیات قرآن در اشعار سلطان شاعران

آدم الشعرا ابو عبدالله جعفر ابن محمد رودکی اشعار بلندپایه اش را با مفاهیم قرآنی زینت بخشیده، باغستان اندیشه هایش را از دریای همیشه روان کلام ملکوتی سیراب ساخته است. چنانکه می فرماید:

مرا ز منصب تحقیق انبیاست نصیب چه آب جویم از جوی خشک یونانی

* * *

بیا، دل و جان را به خداوند سپاریم اندوه درم و غم دینار و سپاریم

جان را ز پی دین و دیانت بفروشیم وین عمر فنا را به ره غزو گذاریم

از مضامین قرآنی مشحون بودن سخنان استاد رودکی را شاعر معاصر او شهید بلخی اینگونه بیان نموده است:

به سخن مانند شعر شعرا رودکی را سخن تلوئی ست

همچنین تذکره نگار شهیر محمد عوفی بخارایی، حافظ و حامل قرآن بودن رودکی را چنین یاد کرده است: «رودکی از نوادر فلکی بوده است... چنان ذکی و تیزفهم بود که در هشت سالگی قرآن تمام حفظ کرد و قرائت بیاموخت و شعر گفتن گرفت و معانی دقیق می گفت...»^۱ اما تا حال چه در ادبیات شناسی تاجیک و چه در ایران، این جنبه اشعار رودکی مورد تحقیق عمیق و دقیق قرار نگرفته است. راقم این سطرها به اندازه دانش خویش نمونه هایی از تجلی مضامین آیات قرآنی را در اشعار رودکی روشن ساخته که اینک پیش چشم شماست.

۱. ببرده نرگس تو آب جادوی بابل گشاده غنچه تو باب معجز عیسی

مصرع اول تلمیح به آیه «وَ اتَّبِعُوا مَا نَزَّلْنَا عَلَی الْمَلَائِكَةِ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِن السَّيِّئِينَ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّحَرُ وَ مَا نَزَّلْنَا عَلَی الْمَلَائِكَةِ بَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ...» (و

سخنانی را که شیاطین در ملک سلیمان (به افسون و جادوگری) می خواندند، پیروی کردند و سلیمان هرگز به خدا کافر نگشت، لیکن آن دیوان که به مردم سحر یاد می دادند، کافر شدند و (نیز پیروی کردند از) آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت در بابل نازل شده بود...^۲

مصراع دوم تلمیح به آیه «انی اخلق لکم من الطین کهیئة الطیر فأنفخُ فیہ فیکون طیرا بإذن الله و ابری الأکمه و الأبرص...» (...به حقیقت من (عیسی) از گل برای شما چیزی به هیئت پرنده می سازم و در آن می دمم و آن به اذن الهی پرندهای می شود و به اذن الهی نابینای مادرزاد و پیس را شفا می دهم...)^۲

۲. بودند در خاک باشد بافدمُ همچنان کز خاک بود انبودنت

تلمیح به این آیات:

«فإنا خلقناکم من التراب...» (...همانا شما را از خاک آفریدیم...)^۳

«و لقد خلقنا الإنس من سلالة من طین» (همانا انسان را از گل خالص آفریدیم).^۴

۳. خدای عرش جهان را چنین نهاد نهاد که گاه مردم شادان و گه بود ناشاد
مضمون این بیت اشاره به آیاتی است که دلالت بر صاحب حکم بودن خداوند دارد، همانند: «ذوالعرش المجید فعال لما یرید» (و خداوند عرش و با اقتدار و عزت است. و هر چه بخواهد آن را در کمال قدرت (و اختیار) انجام دهد).^۵

عبارت «خدای عرش» در چندین آیه قرآن مجید آمده، مثل «و هو رب العرش العظیم» (و او پروردگار عرش بزرگ است).^۶

«الله لا اله الا هو رب العرش العظیم» «الله که نیست خدایی جز او و وی پروردگار عرش بزرگ است».^۷

«ذی قوۃ عند ذی العرش مکین» نیرومندی که نزد خداوند صاحب عرش صاحب مقام است).^۸

۴. کار چون بسته شود، بگشایدا وز پس هر غم طرب افزایدا

اشاره به مضمون این آیات:

«سیجعل الله بعد عسر یسرا» (زود است که خداوند پس از تنگنا و سختی آسایش آورد).^۹

«فإن مع العسر يسرا إن مع العسر يسرا» (بی گمان همراه دشواری آسانی است، آری همراه دشواری آسانی است).^{۱۱}

۵. یوسف رویی کز او فغان کرد دلم چون دست زنان مصریان کرد دلم
تلمیح به آیه «فلما رأیته أكبرنه و قطعن أیدیهن و قلن حاش لله ما هذا بشرا إن هذا إلا
ملك کریم» (آنگاه که دیدند (زنان) یوسف را بس بزرگش یافتند و بُریدند دستهایشان را و گفتند
پناه بر خدا، این آدمیزاده نیست، این جز فرشته گرامی نیست).^{۱۲}

۶. به حسن صوت چو بلبل مقید نظم به جرم حسن چو یوسف اسیر و زندانی
تلمیح به این آیات:

«لم یفعل ماء أمره لیسجنن و لیكونا من الصاغیرین» (گفت (زلیخا) ...و اگر آنچه به او دستور
می‌دهم نکنند، به زندان خواهد افتاد و خوار و زبون خواهد شد).^{۱۳}
«ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه حتی حین» (سپس، بعد از آنکه نشانه‌ها را دیدند،
بهتر آن دیدند که یوسف را مدت زمانی زندانی کنند).^{۱۴}

۷. نگارینا، شنیدستم که گاه محنت و راحت
سه پیراهن سلب بودست یوسف را به عمر اندر:
یکی از قید شد پر خون، دوم شد چاک از تهمت
سوم یعقوب را از بوش روشن گشت چشم تر
تلمیح به این سه آیه:

«و جاء و علی قمیصه بدم الکذب» (و بر پیراهن یوسف خون دروغین آوردند).^{۱۵}
«و استبقا الباب و قدت قمیصه من دبرو ألقیا سیدها لدا الباب قالت ما جزاء من أراد بأهلک
سوءا إلا أن یسجن أو عذاب الیم» (و هر دو به سوی در شتافتند و آن زن پیراهن او را از پشت درید،
و (ناگهان) شوهر او را نزدیک در یافتند. (زلیخا، مکارانه) گفت، جزای کسی که به زن تو نظر بد
داشته باشد چیست، غیر اینکه زندانی شود، یا بچشد عذاب دردناک؟)^{۱۶}

«فلما أن جاء البشیر ألقاه علی وجهه فارتد بصیرا» (پس هنگامی که بشارت دهنده آن
پیراهن را بر روی او (یعقوب) انداخت، بینا گشت).^{۱۷}

۸. چون تیغ به دست آری، مردم نتوان کشت

نزدیک خداوند بدی نیست فرامشت

اشاره به آیه «من يعمل سوءاً ایجزه و لا یجد له من أهل الكتاب من دون الله و لیا و لایصیرا»

(هر کس کار بدی انجام دهد، جزای آن را می‌یابد و برای خود در برابر خداوند یار و یآوری نمی‌یابد).^{۱۸}

۹. زمانه پندی آزادوار داد مرا زمانه را چونکو بنگری همه پند است

به روز نیک کسان، گفت غم مخور زنهار بسا کسا که به روز تو آرزومند است

بیت اول اشاره به این آیه از سوره نمل (پس از ۷ آیه در احوال قوم نمود و هلاکت آنها برای

عبرت): «فتلک بیوتهم خاویه بما ظلموا إن فی ذلک لأیة لتقوم یعلمون» (این است خانه‌های آنان که به

خاطر ستمی که کردند خاموش و خالی است، بی گمان این برای اهل معرفت مایه عبرت است).^{۱۹}

بیت دوم تلمیح به این آیات است:

- «و عسی أن تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی أن تحبوا شیئاً و هو شر لکم» (و چه بسا

چیزی را ناخوش داشته باشید و آن به سود شما باشد و چه بسا چیزی را خوش داشته باشید و آن به

زیان شما باشد).^{۲۰}

- «لا تمدن عینیک إلی ما متعنا به أزوجا منهم» (به چیزی که گروهی از آنان را به آن

بهرمند کرده‌ایم چشم مدوز).^{۲۱}

- «و لا تمدن عینیک إلی ما متعنا به أزوجا منهم زهرة الحیوة الدنیا لفتنهم فیه» (و چشم

مدوز به چیزی که گروهی از آنان را داده‌ایم که تجمل حیات دنیا است تا آزمایش نماییم آنها را به آن).^{۲۲}

۱۰. ورش به صدر اندرون نشسته بینی جزم بگویی که زنده گشت سلیمان

تلمیح به حشمت ملک سلیمان است که در آیات قرآنی چنین آمده:

«و لسلیمن الریح غدوها شهر و رواحها شهر و أسلنا له عین النظر و من الجن من یعمل بین

یدیه یاذن ربه و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعیر یعلمون له ما یشاء من محریب و تمثیل

و جفان کالجواب و قدور راسیتِ اعملوا ءال داود شکرا و قلیل من عبادی الشکور» (و باد را برای

سلیمان مسخر ساختیم که صبحگاهان رفتنش یک ماه و شبانگاه رفتنش یک ماه راه بود. و چشمه

مس را برای او جاری گردانیم. و از دیوان کسانی بودند که به اذن پروردگارش در حضور او خدمت

می کردند و هر کدام از آنها که از فرمان ما سر پیچد، عذاب آتش سوزانش می چشانیم. و برای او هر چه می خواست از عبادتگاهها، تمثالها، ظروف بزرگ همانند حوضها و دیگها ثابت می ساختند. (اینک) ای آل داوود! شکر به جای آرید و از بندگاه من عده قلیلی شکر گزارند.^{۲۳}

۱۱. حجت یکتای خدای و سایه او ایست طاعت او کسره و اجب آیت فرقان

اشاره به آیه: «یا ایها الذین ءامنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (ای مؤمنان، اطاعت کنید خداوند و پیغمبر و صاحبان امرتان را).^{۲۴}

۱۲. زندگانی چه کوتاه و چه دراز نه به آخر بمرد باید باز

* * *

زیر خاک اندرون ت باید خفت گر چه اکنون ت خواب بر دیب است

مضمون از این آیات:

- «اینما تکنوا یدرکم الموت و لو کنتم فی بروج مشیده» (هر جا که باشید، مرگ شما را درمی یابد، اگر چه در دژهای استوار و بلند باشید).^{۲۵}

- «کل نفس ذائقة الموت» (هر جاندار مرگ را خواهد چشید).^{۲۶}

۱۳. نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز چه بود منت بگویم: قضای یزدان بود

اشاره به این آیات:

- «و من نمره ننگسه فی الخلق أفلا یعقلون» (و هر کسی را که عمر دراز دادیم، در خلقت

واژگونه اش می کنیم).^{۲۷}

- «من یتوفی و منکم من یرد الی أرذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئا» (و از شما بعضی

به حد اعلای فرتوتی و پیری باز برده شود، چندانکه پس از دانستن (بسیار چیزها) چیزی را نداند).^{۲۸}

۱۴. گنبد نهمار بر برده بلندنش ستون از زیر و نر بر سرش بند

تلمیح به این آیات:

- «الله الذی رفع سماوت بغیر عمد ترونها» (خداوند ذاتیست که آسمانها را بدون

ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت).^{۲۹}

- «خلق السموات بغیر عمد ترونها» (آسمانها را بدون ستونهایی که ببینید آفرید).^{۳۰}

- «و یمسک السماء أن تقع على الارض إلا بإذنه» (و آسمان را نگاه می‌دارد که بر زمین نیفتد مگر به اذن او).^{۳۱}

۱۵. این کار سمایی بودنی قوت انسان کس را نبود قوت به کار سمایی

تلمیح به این آیات:

- «و الله یحکم لا معقب لحکمه» (خداوند حکم می‌کند و نیست ردکننده‌ای حکم او را).^{۳۲}

- «و الله غالبٌ علی أمره و لکن اکثر الناس لا یعلمون» (و الله چیره‌شونده است به امر و

فرمان خود، ولی اکثر مردم نمی‌دانند).^{۳۳}

۱۶. ور به بلور اندرون ببینی، گویی گوهر سرخ است به کف موسی عمران

تلمیح به معجزه موسی (ع): «و اضمم یدک إلی جناحک تخرج بیضاء من غیر سوء ءایة

آخری» (و دستت را در بغلت کن، تا بی هیچ عیبی (بیماری پیسی) درخشان بیرون آید که این معجزه

دیگری است).^{۳۴}

۱۷. راهی کو راست است، بگزین ای دوست

دور شو از راه بی‌کرانه ترفنج

تلمیح به آیه «و أن هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله» (و

بدانید که این راه راست و درست من است، پس آن را در پیش گیرید و به راه‌های دیگر نروید که شما

را از راه او دور می‌اندازد).^{۳۵}

۱۸. تا جهان بود از سر آدم فراز کس نبود از راه دانش بی‌نیاز

مردمان بخرد اندر هر زمان راز دانش را به هر گونه زبان

گرد کردند و گرامی داشتند تا به سنگ اندر همی بنگاشتند

دانش اندر دل چراغ روشن است وز همه بد بر تن تو جوشن است

در این ابیات، که پیرامون علم و منزلت آن سخن رفته است، می‌توانیم چندین آیه را یاد کنیم:

«إنما من عباده العلماء» (هر آینه از میان بندگان خدا تنها عالمان از او می‌ترسند).^{۳۶}

«یرفع الله الذین ءامنوا منکم و الذین أوتوا العلم درجت» (خداوند بلند می‌کند درجهٔ آنهایی را از شما که ایمان آوردند و دانش یافتند).^{۳۷}

۱۹. ای وید غافل از شمار چه پنداری
کت خالق آفرید بهر کاری
تلمیح به این آیات:

- «اقترب للناس حسابهم و هم فی غفلة معرضون» (شمار و حسابشان برای مردم نزدیک شده و آنان همچنان در غفلت روی گردانند).^{۳۸}

- «اقتربت الساعة و انشق القمر و إن یروا ایه یعرضوا و یقولوا سحر مستمر و کذبوا و اتبعوا أهواءهم و کل أمر مستقر» (قیامت نزدیک شد و ماه دوپاره گردید. و اگر معجزه‌ای ببینند، روی بگردانند و گویند: جادویی بزرگ است. و تکذیب می‌کنند و از پی هواهای خویش می‌روند و هر کاری را هدفی است).^{۳۹}

- «أفحسبتم أنما خلقتنا کم عبثا و أنکم إلینا لاترجعون» (آیا می‌پندارید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به نزد ما نمی‌آیید؟)^{۴۰}

- «و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» (نیافریده‌ام جین و انس را مگر اینکه بپرستند مرا).^{۴۱}

چنانکه ملاحظه می‌شود، با آنکه حوادث روزگار بخش اعظم اشعار رودکی را از بین برده است، استاد شاعران به سرچشمهٔ جاودانهٔ الهام اهل سخن- قرآن کریم پیوسته بود و بسیار معنی‌های عمیق را در پرتو آیه‌های این کتاب مبین به نظم کشیده است. همچنین تنوع مضمون‌های مأخوذ از سوره‌های قرآنی، ما را به آن نتیجه می‌آورد که استاد رودکی، در حقیقت حافظ کل قرآن و دانشمند علوم قرآنی بوده است. در این مقالهٔ مختصر مضمون‌های گرفته شده یا الهام‌بخش به رودکی که تلمیح نزدیک به ۴۰ سورهٔ قرآن کریم دارند، بررسی شد. مؤلف این مقاله اطمینان دارد که در صورت پیدا شدن اشعار دیگر استاد رودکی تعداد مضمون‌های مأخوذ و کلام الهی و فهرستواره سوره‌هایی که بر استاد شاعران الهام‌بخش بوده‌اند، به درجات خواهد افزود.

پانوشتها:

۱. محمد عوفی بخارایی، لباب‌الالباب، از روی چاپ پروفیسور براون، با مقدمه و تعلیقات علامه محمد قزوینی، تهران، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۶.
۲. سوره بقره، آیه ۱۰۲
۳. سوره آل عمران، آیه ۴۹ و نیز آیه ۱۱۰ سوره مائده همین مطلب را بیان می‌کند.
۴. سوره حج، آیه ۵.
۵. سوره مؤمنون، آیه ۱۲. نیز نک. آیه ۱۲ سوره مؤمنون، آیه ۷ سوره سجده، آیه ۵۵ سوره طه،
۶. سوره بروج، آیه ۱۶، ۱۵
۷. سوره توبه، آیه ۱۲۹
۸. سوره نمل، آیه ۲۶
۹. سوره تکویر، آیه ۲۰، همچنین در آیه ۲۲ سوره انبیاء
۱۰. سوره طلاق، آیه ۷
۱۱. سوره شرح، آیه ۶-۵
۱۲. سوره یوسف، آیه ۳۱
۱۳. سوره یوسف، آیه ۳۲
۱۴. سوره یوسف، آیه ۳۵
۱۵. سوره یوسف، آیه ۱۸
۱۶. سوره یوسف، آیه ۲۵
۱۷. سوره یوسف، آیه ۹۶
۱۸. سوره نساء، آیه ۱۲۳
۱۹. سوره نمل، آیه ۵۲ با این مضمون در چندین آیه دیگر موجود است از قبیل آیه ۲ سوره حشر، محمد ۱۰، حج ۴۶-۴۵، شعرا ۱۰۴-۱۰۳، ۱۴۰-۱۳۹، ۱۵۹-۱۵۸، ۱۷۵-۱۷۴، ۱۹۱-۱۹۰، هود ۱۰۳...
۲۰. سوره بقره، آیه ۲۱۶
۲۱. سوره حجر، آیه ۸۸
۲۲. سوره طه، آیه ۱۳۱.
۲۳. سوره سبأ، آیه ۱۳-۱۲ همچنین در سوره انبیاء آیه ۸۲-۸۱، نمل ۱۷-۱۶، ص ۴۰-۳۵ این مطلب دیده می‌شود.
۲۴. سوره نساء، آیه ۵۹
۲۵. سوره نساء، آیه ۷۸
۲۶. سوره عنکبوت، آیه ۵۷ نیز در آیت ۳۵ سوره انبیاء و آیه ۱۸۵ آل عمران عین این عبارت آمده
۲۷. سوره یس، آیه ۶۸
۲۸. سوره حج، آیه ۵
۲۹. سوره رعد، آیه ۲
۳۰. سوره لقمان، آیه ۱۰
۳۱. سوره حج، آیه ۶۵ همچنین به آیات ۲۴ سوره روم، آیه ۴۱ فاطر مراجعه شود.
۳۲. سوره رعد، آیه ۴۱
۳۳. سوره یوسف، آیه ۲۱
۳۴. سوره طه، آیه ۲۲. همچنین در سوره اعراف، آیه ۱۰۸، سوره قصص، آیه ۲۲ این معجزه موسی آمده است.
۳۵. سوره انعام، آیه ۱۵۳
۳۶. سوره فاطر، آیه ۲۸
۳۷. سوره مجادله، آیه ۱۱. همچنین به آیه ۹ سوره زمر، آیت ۸-۷ آل عمران، آیه ۴۳ سوره رعد مراجعه شود.
۳۸. سوره انبیاء، آیه ۱
۳۹. سوره قمر، آیات ۱-۳
۴۰. سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵
۴۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶